

بازنگری در معماری چهارطاقی‌های علی‌آباد شمشیربر و رحمت‌آباد کرمان بر اساس نویافته‌های باستان‌شناختی

علیرضا زبان‌آور^۱، محمد مرتضایی^{۲*}، رضا شعبانی^۳

چکیده

در میان چهارطاقی‌های ساسانی که تا به امروز شناسایی شده‌اند، بیشترین تعداد آن‌ها در جنوب ایران و در نواحی فارس و کرمان قرار دارند که در این بین، چهارطاقی‌های کرمان به سبب دورافتادگی تا حدود زیادی ناشناخته مانده‌اند. تا به امروز شناخت معماری مذهبی دوره‌ی ساسانی در نواحی کرمان به پژوهش‌های واندنبرگ در دهه‌ی ۶۰ سده‌ی بیستم میلادی محدود می‌شود. در پژوهش پیش رو بر اساس یافته‌های نوینی که از آواربرداری و پاک‌سازی محوطه‌های علی‌آباد و رحمت‌آباد به دست آمده، نگارندگان سعی کردند ضمن مطالعه و مقایسه‌ی ویژگی‌های معماری دو بنای مذکور به این پرسش پاسخ دهند که چهارطاقی‌های مطالعه شده در این مقاله از نظر کیفیت مذهبی به کدام یک از آتش‌های مقدس سه‌گانه در دین زرتشتی شامل آتش‌های بهرام، آذران و دادگاه قابل انتساب هستند؟ این پژوهش از نظر ماهیت و روش، پژوهشی توصیفی-تحلیلی بوده و گردآوری داده‌ها به صورت میدانی و کتابخانه‌ای است. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر این نکته است که چهارطاقی‌های مطالعه شده علاوه بر راهروی پیرامونی دارای فضاهای معماری متصل دیگری نیز بوده و بر اساس ویژگی‌های معماری و مکانی که دارا هستند، می‌توانند با آتش «دادگاه» مرتبط باشند. این پژوهش از این منظر می‌تواند اهمیت داشته باشد که ضمن ارائه‌ی پلانی جدید از چهارطاقی‌های مطالعه شده، جایگاه مذهبی نوینی برای آن‌ها مطرح کرده که می‌تواند برای سایر چهارطاقی‌های ساسانی با ویژگی‌های معماری مشابه نیز قابل ارائه باشد.

واژه‌های کلیدی: دوره‌ی ساسانی، معماری مذهبی، چهارطاقی، رحمت‌آباد، علی‌آباد شمشیربر.

ارجاع: زبان‌آور ع.، مرتضایی م.، شعبانی ر.، ۱۳۹۹. بازنگری در معماری چهارطاقی‌های علی‌آباد شمشیربر و رحمت‌آباد کرمان بر اساس نویافته‌های باستان‌شناختی، ۵ (۲): ۱۲۷-۱۴۴.

۱- دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوران تاریخی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

۲- دانشیار پژوهشکده باستان‌شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.

۳- استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

*نویسنده مسئول: m_mortezayi2008@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۲۰

مقدمه

بر اساس گزارش طبری ناحیه‌ی کرمان یکی از نخستین نواحی بود که از سوی اردشیر پاپکان فتح گردید (طبری، ۱۳۶۲: ۵۸۲) و در سده‌های نخستین اسلامی نیز این ناحیه یکی از آخرین پناهگاه‌های پیروان آیین زرتشتی به-شمار می‌رفت (چوکسی، ۱۳۹۱: ۱۰۲، ۱۱۰-۱۱۱). در دهه‌ی اخیر کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناختی که در محوطه‌های شمال شرقی ایران و نواحی مرزی ترکمنستان مانند بندیان (۲۰۰۴: ۷-۳۰) و (Rahbar, 1998: 213-250) و مله حیرم (۲۰۰۴: ۳۲۵-۳۲۶) و (Kaim, 2002: 215-230) و خانه دیو (هاشمی‌زرج‌آباد و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۹-۹۲ و Hashemi & Kaim, 2010: 603-612 & Kaim, 2010: 543-551) و همچنین در غرب ایران مانند شیان (رضوانی، ۱۳۸۴)، پلنگ‌گرد (خسروی و رشنو، ۱۳۹۳: ۱۷۷-۱۷۹ و Khosravi, 2018: 269-270) (Alibaigi & Rahbar, 2018: 269-270)، میل میله‌گه (مرادی، ۱۳۸۸: ۱۵۵-۱۸۳) و جولیان (محمدی‌فر و مترجم، ۱۳۹۰: ۷۷-۸۸) صورت گرفته، جلوه‌های نوینی از معماری مذهبی دوره‌ی ساسانی را آشکار ساخته است. بر اساس همین یافته‌ها می‌توان این‌گونه بیان کرد که معماری مذهبی دوره‌ی ساسانی در محدوده‌های جغرافیایی گوناگون متفاوت بوده که شاید برگرفته از تنوع فرهنگ مذهبی این دوره باشد. تاکنون در استان کرمان هفت چهارطاقی منتسب به دوره‌ی ساسانی شناخته شده که سه مورد آن‌ها شامل چهارطاقی‌های نگار در بردسیر، بردجین در بافت (Vanden Berghe, 1965: 137-144) و میرآباد امام قلی در ریگان (Fazel & Mohammadifar, 2019) و چهار سازه‌ی علی‌آباد شمشیربر، رحمت‌آباد، سلطان‌آباد (Vanden Berghe, 1961: 194-195) و ده شیخ (Vanden Berghe, 1965: 137) در شهرستان ارزوئیه قرار گرفته است. چهارطاقی‌های قرار گرفته در شهرستان ارزوئیه به سبب دوردست بودن منطقه، از پیشینه‌ی پژوهشی مناسب برخوردار نبوده و تنها پژوهش‌های علمی میدانی صورت گرفته روی آن‌ها به لویی واندنبرگ مربوط می‌شود. با توجه به ثبت ملی چهارطاقی‌های شهرستان ارزوئیه در اواسط دهه‌ی هشتاد خورشیدی و عملیات‌های آواربرداری، پاک‌سازی و مرمت که در این چهارطاقی‌ها صورت گرفته، می‌توان به این نکته پی برد که بقایای امروزی این آثار بخشی از مجموعه‌های بزرگ‌تری بوده که

ویران شده است. در این نوشتار سعی گردیده تا بر اساس یافته‌های نوینی که از این آواربرداری و پاک‌سازی‌ها به دست آمده، ضمن مطالعه‌ی معماری دو بنای علی‌آباد شمشیربر و رحمت‌آباد، کاربری و جایگاه مذهبی این دو چهارطاقی بر اساس نوع آتش مقدس قابل نگهداری در بنا سنجش شود.

پرسش‌های پژوهش

نگارندگان در این پژوهش سعی دارند به چند پرسش پاسخ دهند: نخست آن که براساس یافته‌های نوین حاصل از پاک‌سازی و آواربرداری، ویژگی‌های معماری چهارطاقی مورد نظر مانند پلان چقدر نسبت به دانسته‌های گذشته تغییر کرده و در مقایسه با سازه‌های مشابه همجوار و دوردست، چهارطاقی‌های مطالعه شده از نظر ویژگی‌های معماری مانند پیچیدگی‌های پلان، ابعاد و فن ساخت، چگونه هستند؟ و در نهایت چهارطاقی‌های مطالعه شده در این مقاله از نظر کیفیت و جایگاه مذهبی به کدام یک از آتش‌های مقدس سه‌گانه در دین زرتشتی شامل آتش‌های بهرام، آدران و دادگاه قابل انتساب هستند؟

روش‌شناسی پژوهش

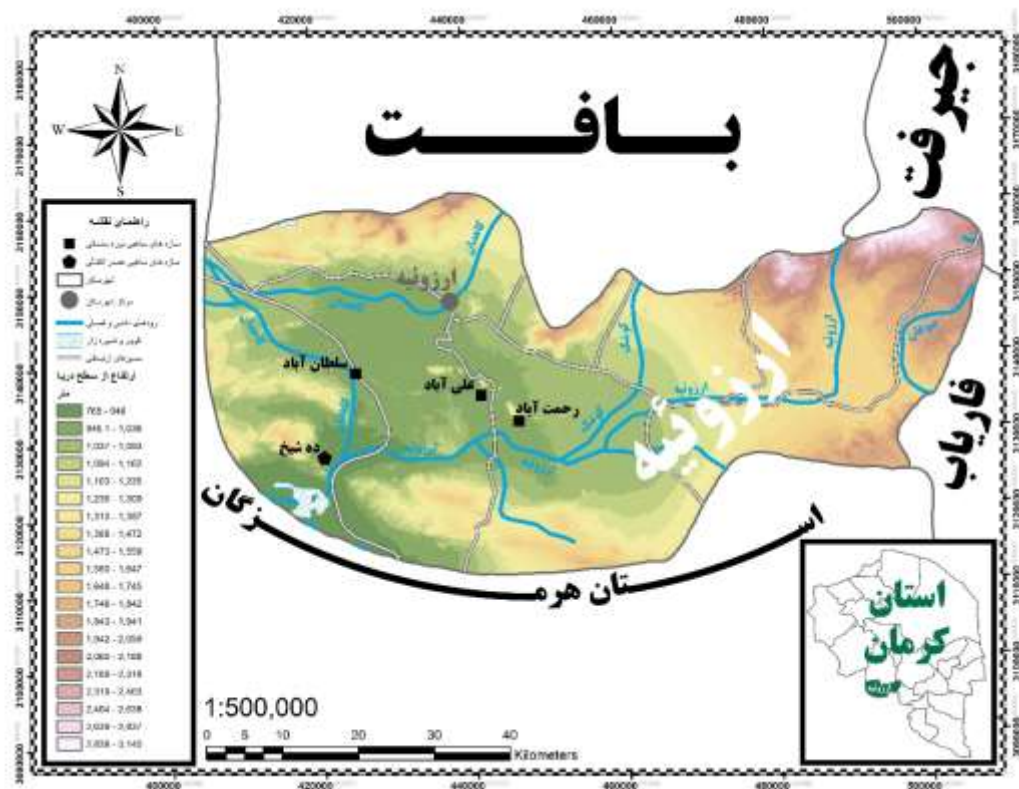
این نوشتار بر اساس هدف از نوع پژوهش‌های بنیادی و از منظر ماهیت و روش پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی است، همچنین روش گردآوری داده‌ها در آن میدانی-کتابخانه‌ای بوده و به این شکل است که در ابتدا به صورت میدانی و با بررسی‌های باستان‌شناختی سازه‌های مدنظر مشاهده و مطالعه شدند تا کمیت و کیفیت ساختار آن‌ها به درستی مشخص گردد، سپس با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای سعی شده تا داده‌های حاصل از مرحله‌ی نخست با سایر سازه‌های مشابه و منابع مکتوب مرتبط سنجش و مقایسه گردد و در نهایت تفاوت‌ها و شباهت‌های ساختاری میان آن‌ها تحلیل و تفسیر شدند.

موقعیت جغرافیایی

شهرستان ارزوئیه در جنوب غربی استان کرمان قرار گرفته و شامل دو بخش مرکزی و صوغان است. چهارطاقی‌های علی‌آباد شمشیربر و رحمت‌آباد در مجاورت روستاهایی به همین نام در بخش مرکزی شهرستان ارزوئیه قرار گرفته‌اند. چهارطاقی علی‌آباد با مختصات جغرافیایی

کیلومتری خط مستقیم در جنوب شرقی چهارطاقی علی‌آباد و در میان زمین‌های کشاورزی پیرامون روستای رحمت‌آباد قرار گرفته است. پس از خروج از روستای رحمت‌آباد و به فاصله‌ی ۸۰۰ متری در جهت جنوب به مسیر فرعی میان مزارع ذرت روستا و در جهت شرق تغییر مسیر داده و با طی ۲/۵ کیلومتر در مسیر خاکی و دور زدن یک سلسله جبال که به کوه رحمت‌آباد مشهور است، به چهارطاقی رحمت‌آباد دست خواهیم یافت (شکل ۱).

«40R441590E3135406N» در حدود ۸۰۰ متری خط مستقیم جنوب غرب روستای علی‌آباد از توابع بخش مرکزی شهرستان ارزوئیه استان کرمان و در ارتفاع ۱۰۳۳ متری از سطح دریا واقع شده است. چهارطاقی مذکور در بین توده‌های از آوار و خاک در فاصله‌ی ۱۶۰ متری از مسیر خاکی و در مرز میان زمین‌های زراعی و شوره‌زارهای اطراف روستا قرار گرفته است. چهارطاقی رحمت‌آباد نیز با مختصات جغرافیایی «40R446474E3131910N» و ارتفاع ۱۰۴۳ متری از سطح آب‌های آزاد با فاصله‌ی شش



شکل ۱- نقشه پراکندگی چهارطاقی‌های ساسانی شهرستان ارزوئیه (نگارندگان)

تاکنون تنها از سوی لویی واندنبرگ مطالعه و معرفی شده (Vanden Berghe, 1961: 195) و در سال‌های بعد نیز افرادی مانند کلاوس شیپمان (Schippmann, 1971: 79) و نامجو (نامجو، ۱۳۹۰: ۲۸۶) بر اساس گزارش‌های واندنبرگ اقدام به معرفی این چهارطاقی کرده‌اند. واندنبرگ که به صورت مختصر و تنها در چند خط به بیان مختصات معماری چهارطاقی پرداخته، چهارطاقی را از نوع چهارطاقی‌های دارای راهروی پیرامونی معرفی کرده است (Vanden Berghe, 1961: 195). چهارطاقی رحمت‌آباد نیز که از منظر مطالعات میدانی دارای وضعیت حتی ناقص‌تر از سازه‌ی علی‌آباد است به شماره‌ی ۳۰۳۲۰ در فهرست

پیشینه‌ی پژوهشی

به‌طورکلی کامل‌ترین پژوهش صورت گرفته بر روی چهارطاقی‌های ناحیه‌ی کرمان متعلق به لویی واندنبرگ بوده که آن نیز در نوع خود علی‌رغم ارزش‌های علمی، نواقص قابل توجهی دارد. چهارطاقی‌های علی‌آباد و رحمت‌آباد علی‌رغم این که در سال‌های اخیر در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده‌اند، اما تا به امروز از مطالعه‌ی میدانی دقیق و علمی بی‌بهره مانده و حتی در هنگام ثبت نیز از منظر علم باستان‌شناسی به آن‌ها پرداخته نشده است. چهارطاقی علی‌آباد که تحت نام علی‌آباد شمشیربر با شماره‌ی ۳۰۳۱۸ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده،

چهارطاقی علی‌آباد شمشیربر

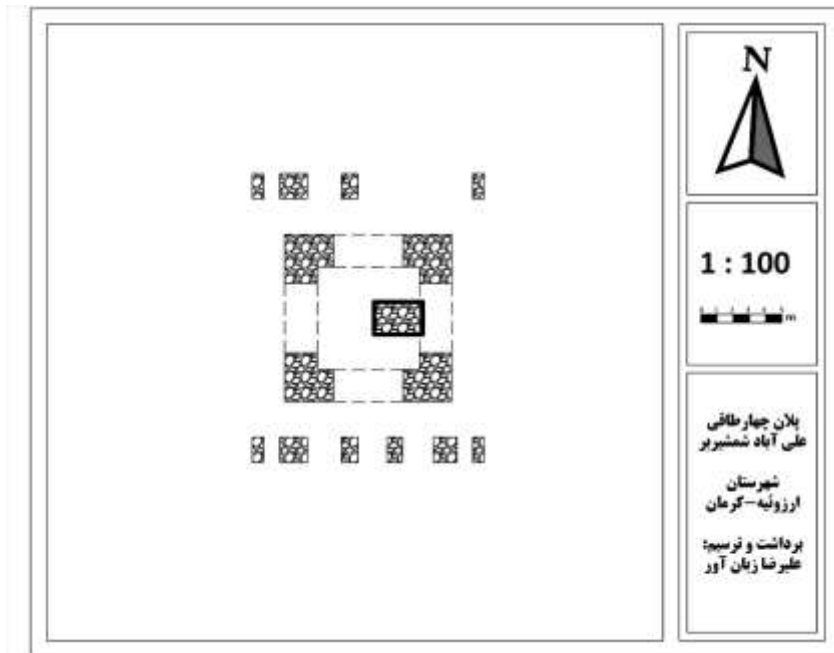
چهارطاقی علی‌آباد که در زمان واندنبرگ نیز طاق و بخشی از جرزهای شرقی آن فروریخته بود، در سال‌های اخیر از سوی سازمان میراث فرهنگی کرمان مرمت شده و طاق تخریب‌شده و بخش‌های فروریخته‌ی جرزها بازسازی شده است. در حال حاضر به‌جز گنبد بنا که به‌صورت کامل ویران شده و طاق غربی که وضعیت ثابتی ندارد، سه طاق دیگر در شرایط نسبتاً قابل قبولی هستند.

پلان و ابعاد: ابعاد کلی توده‌ای که چهارطاقی بخشی از آن را تشکیل می‌دهد در حدود ۶۶×۶۲ متر و ارتفاع آن نیز به‌طور متوسط به ۲ متر می‌رسد (شکل ۲). چهارطاقی در قسمت جنوب شرقی تپه واقع شده و محور قرارگیری آن ۹ درجه از جهت‌های چهارگانه‌ی اصلی انحراف زاویه دارد. در حال حاضر و با توجه به مرمت و آواربرداری‌های صورت‌گرفته و همچنین تصاویر ماهواره‌ای، می‌توان این‌گونه بیان کرد که چهارطاقی از نوع سازه‌های با پلان پیچیده بوده و علاوه بر راهرو دارای الحاقات دیگری نیز هست (شکل ۳).

آثار ملی به ثبت رسیده است. واندنبرگ این بار به سبب وجود الحاقات معماری داخل سازه، تنها در چند خط اقدام به معرفی کلی و ذکر ابعاد بیرونی آن کرده (Ibid: 194-195) و شیپمان در کتاب آتشکده‌های ایران (Schipmann, 1971: 80) و نامجو در رساله‌ی دکترای خود (نامجو، ۱۳۹۰: ۲۸۵) مجدداً به نوشته‌های وی ارجاع داده است. واندنبرگ از چهارطاقی رحمت‌آباد با عنوان یک چهارطاقی که بر اساس شواهد موجود در ضلع جنوبی آن، احتمالاً دارای راهرو بوده نام می‌برد، اما در هنگام ذکر مشخصات معماری و ابعاد آن به‌اندازه‌ی راهروی احتمالی اشاره‌ای نمی‌کند (Vanden Berghe, 1961: 194-195 & 1984: 221)، همچنین لازم به ذکر است که در سال‌های اخیر ریاحیان گهرتی نیز بدون ارائه‌ی پیشنهاد خاصی در زمینه‌ی کاربری و عملکرد چهارطاقی‌های مذکور، اقدام به معرفی و بیان مشخصات کلی چهارطاقی‌های ارزشمندی (سلطان‌آباد درباغ، رحمت‌آباد، علی‌آباد شمشیربر و ده شیخ) کرده است (ریاحیان گهرتی، ۱۳۹۸: ۱۳۱۳-۱۳۲۸) و زبان‌آور، مرتضایی و شعبانی نیز در مورد سکوی یافت شده در چهارطاقی علی‌آباد پیشنهادهایی را مطرح کرده‌اند (زبان‌آور، مرتضایی و شعبانی، ۱۳۹۹: ۷۵-۹۶).



شکل ۲- تصویر ماهواره‌ای محوطه چهارطاقی علی‌آباد (google earth)



شکل ۳- پلان چهارطاقی علی‌آباد (نگارندگان)

که هر یک از طاق‌ها در حدود $4/3$ متر پهنا و $5/4$ متر ارتفاع دارند. در مجاورت اضلاع شمالی و جنوبی بنا اثری از جرز به چشم می‌خورد که ارتفاع بقایای آن به یک متر می‌رسد. فاصله‌ی این برجستگی‌ها از چهارطاقی در حدود $2/20$ متر بوده که می‌توان آن را دلالت بر وجود راهروی پیرامونی بین چهارطاقی و این جرزها دانست (شکل ۴).

هر یک از اضلاع چهارطاقی از بیرون در حدود $10/30$ متر و از داخل $6/80$ متر طول دارد. جرزهای بنا نیز از نمای بیرون در حدود ۳ متر و در داخل ۲ متر ضخامت دارند، همچنین ارتفاع آن‌ها در حدود ۶ متر است. در رابطه با طاق‌های این چهارطاقی با توجه به این موضوع که همچنان بخش‌های تحتانی طاق‌های این سازه با آوار پوشیده شده، به صورت تخمینی می‌توان این‌گونه بیان کرد



شکل ۴- (A) نمای غربی، (B) نمای شمال غربی، (C) نمای جنوب شرقی، (D) نمای شمال شرقی چهارطاقی علی‌آباد (نگارندگان)

دو برآمدگی بعدی دارای تخریب بیشتری است و در حال حاضر دارای ارتفاع کمتری هستند. برجستگی پنجم که موازی با جرز جنوب شرقی چهارطاقی است در حدود ۱/۴۵ متر پهنا داشته و با برجستگی چهارم ۱/۹ متر فاصله دارد و در نهایت ششمین برآمدگی که ارتفاع کمی از آن باقی‌مانده در حدود یک متر با برجستگی پیش از خود فاصله داشته و به‌طور تقریبی ۷۰ سانتی‌متر ضخامت داشته و به مانند نخستین برجستگی خارج از محدوده‌ی اضلاع چهارطاقی قرار دارد. در ضلع شمالی نیز با وجود آوار، می‌توان حداقل چهار برجستگی مشابه چهار برجستگی ضلع جنوبی را تشخیص داد (شکل ۵).

در ضلع جنوبی در حال حاضر شش برجستگی به چشم می‌خورد که تمام این برجستگی‌ها دارای طول یکسان و به اندازه تقریبی ۱/۵۵ متر و پهنای متفاوت هستند. برجستگی جنوب غربی که خارج از محدوده‌ی اضلاع چهارطاقی قرار دارد ۷۰ سانتی‌متر عرض داشته و با فاصله‌ی ۱ متری از آن برجستگی دوم قرار دارد که به‌طور تقریبی موازی با جرز جنوب غربی چهارطاقی بوده و ۱/۷ متر عرض دارد. برجستگی سوم با فاصله‌ی ۲/۱ متری از برجستگی دوم و با عرض ۱ متر و برجستگی چهارم نیز با فاصله‌ی ۱/۸ متری از برآمدگی سوم در حدود ۹۵ سانتی‌متر پهنا دارد. این دو برجستگی به‌طور تقریبی مجاور با طاق جنوبی و موازی با میانه‌ی طاق واقع شده‌اند.



شکل ۵- (A) نمای داخلی ضلع غربی، (B) نمای داخلی ضلع شرقی، (C) بقایای برجستگی‌های ضلع شمالی، (D) بقایای برجستگی‌های ضلع جنوبی (نگارندگان)

هستند، می‌توان این احتمال را مطرح کرد که احتمالاً در دو ضلع شمالی و جنوبی چهارطاقی علی‌آباد تالار و یا تالارهایی وجود داشته که امروزه آثار آن‌ها در زیر آوار مدفون گشته است (شکل ۶).

برای تعیین کاربری و نوع کاربرد این برجستگی‌ها که در اضلاع شمالی و جنوبی به چشم می‌خورد، بر اساس بقایای موجود در ضلع شمال غربی چهارطاقی رحمت‌آباد و برجستگی‌های موجود در این قسمت که با ورودی یک تالار و همچنین طاق‌های راهروی پیرامونی در ارتباط



شکل ۶- نمای برجستگی‌های موجود در چهارطاقی‌های (A) علی‌آباد و (B) رحمت‌آباد (نگارندگان)

بستن طاق‌های بنا که در آن‌ها از قوس چیار یا قوس خاکی (زمرشیدی، ۱۳۸۷: ۱۷۰) استفاده شده، در فضای روی طاق با یک عقب‌گرد از نمای بیرونی جرزها، مربع کوچک‌تری بر روی مربع اصلی تشکیل داده و با قلوه‌سنگ‌های کوچک و ملات گچ اقدام به فیلیپوش‌سازی کرده‌اند، همچنین در فضای داخلی این مربع و در بالای طاق‌ها تورفتگی ایجاد شده تا برای تبدیل به مدور شدن فضای مربع در قسمت‌های فوقانی کمک بیشتری کند. با وجود این که امری تنها بقایایی از فیلیپوش‌های ضلع جنوبی بنا باقی‌مانده، اما با توجه به آوار موجود در داخل بنا می‌توان این احتمال را مطرح کرد که گنبد بنا نیز به مانند عموم چهارطاقی‌های دوره‌ی ساسانی از سنگ ساخته شده بود. در ساخت چهارطاقی علی‌آباد برای نمای بیرونی به صورت بندکشی و برای نمای داخلی با توجه به شواهد موجود در برخی قسمت‌ها که دست‌نخورده باقی‌مانده به صورت اندود از ملات گچ استفاده شده است. برای ساخت جرزهای مجاور راهروهای جنوبی و شمالی نیز از روش ساخت جرزهای چهارطاقی بهره برده و سنگ‌های بزرگ را از سمت هموار رو به بیرون قرار داده و بین آن‌ها را با ملات فراوان گچ و قلوه‌سنگ‌های کوچک پر کرده‌اند.

محوطه‌های پیرامونی: با توجه به این که محیط پیرامونی چهارطاقی علی‌آباد به وسیله زمین‌های زراعی احاطه شده، در مورد محوطه‌های پیرامونی سازه نمی‌توان به طور دقیق اظهار نظر کرد، اما در فاصله‌ی ۱۱۰ متری جنوب غربی چهارطاقی تپه‌ای با آثار معماری سنگی و خشتی را می‌توان مشاهده کرد. ابعاد کلی تپه در حدود ۷۰×۷۰ متر بوده که حداقل در فضایی به ابعاد ۷۰×۷۰ متر بقایای معماری را می‌توان رؤیت کرد، همچنین در فاصله‌ی تقریبی ۷۵۰ متری شمال غرب چهارطاقی تپه‌ای

همچنین در میانه‌ی چهارطاقی و نزدیک به طاق شرقی بنا، می‌توان بقایای یک سکوی سنگی و گچی را مشاهده کرد (شکل ۷). به نظر می‌رسد که این سکو حداقل در حدود ۰/۶ متر ارتفاع داشته باشد. به سبب وجود آوار روی سایر قسمت‌های این سکو، ابعاد دقیق آن را نمی‌توان تخمین زد.



شکل ۷- بقایای سکو در ضلع شرقی چهارطاقی (نگارندگان)

مصالح و فن ساخت: مصالح شامل سنگ و گچ بوده و روش ساخت جرزها نیز به این شیوه است که سنگ‌های بزرگ‌تر را از سمت هموار رو به بیرون نهاده و میان آن‌ها را با ملات فراوان گچ و قلوه‌سنگ‌های کوچک‌تر پر کرده‌اند. با توجه به بقایای ضلع جنوبی چهارطاقی می‌توان کیفیت و چگونگی اجرای گنبد را دریافت. پس از اتمام جرزها و

با ابعاد ۱۷۵×۳۳۰ متر وجود دارد که بقایایی از معماری سنگی را نیز در قسمت‌های فوقانی می‌توان مشاهده کرد (شکل ۸).



شکل ۸- نمای شمال شرقی تپه‌ی تاریخی جنوب غربی چهارطاقی علی‌آباد (نگارندگان)

طاق‌های گهواره‌ای خشتی، طاق‌های اصلی بنا به صورت دو طبقه‌ی پرشده، درآمده‌اند (شکل ۹). به جز الحاقاتی که فاقد ارزش معماری هستند، سازه در قسمت گنبد دچار تخریب شده، اما طاق‌های آن حفظ شده است، همچنین در سال‌های اخیر نمای بیرونی بنا مرمت کلی شده است (شکل ۱۰).

چهارطاقی رحمت‌آباد

وضعیت کنونی چهارطاقی به این شکل بوده که فواصل میان طاق‌ها در دوران پس از اسلام با قلوه‌سنگ تا ارتفاع $۱/۲$ متری و سپس با خشت‌هایی به ابعاد $۴ \times ۲۱ \times ۲۱$ سانتیمتر پرشده، از بیرون در هر طاق، در قسمت‌های فوقانی دریچه‌هایی ایجادشده و از داخل با استفاده از



شکل ۹- (A) نمای داخلی ضلع شمال شرقی، (B) نمای داخلی جرز جنوبی، (C) نمای داخلی ضلع جنوب غربی، (D) فضاهای معماری ضلع شمال غربی چهارطاقی رحمت‌آباد (نگارندگان)



شکل ۱۰- (A) نمای ضلع شمال شرقی، (B) نمای شمال غربی، (C) نمای جنوبی، (D) نمای غربی چهارطاقی رحمت آباد (نگارندگان)

چشم می‌خورد می‌توان ابعاد تقریبی محوطه‌ی چهارطاقی رحمت آباد را که امروزه مثلثی شکل است $۷۲ \times ۷۶ \times ۹۷$ متر بیان کرد (شکل ۱۱).

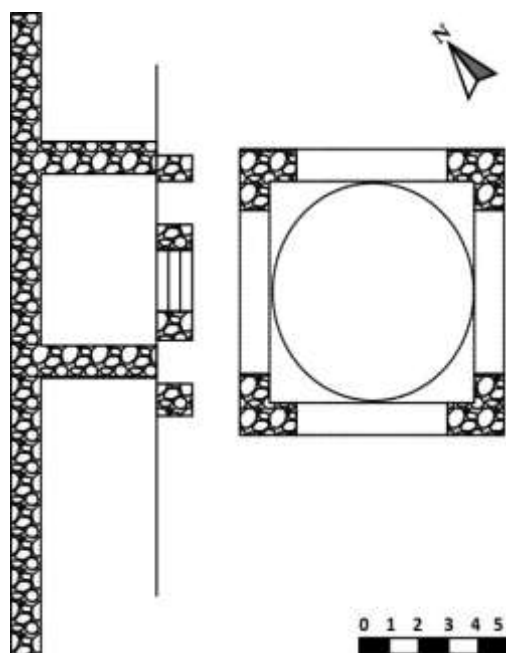
پلان و ابعاد: با توجه به تعرض زمین‌های کشاورزی به حریم محوطه‌ی چهارطاقی، بیان ابعاد دقیق محوطه‌ی رحمت آباد ناممکن به نظر می‌رسد، اما بر اساس شواهدی که امروز از بقایای ساخت‌وساز در پیرامون چهارطاقی به



شکل ۱۱- تصویر ماهواره‌ای چهارطاقی رحمت آباد (Google Earth)

حدود $۸/۹۰$ متر طول دارند، همچنین طول هر ضلع آتشکده در داخل و بدون در نظر گرفتن وجود الحاقات دوره‌ی اسلامی در حدود $۶/۹۰$ متر است. هر یک از جرزهای سازه از بیرون در حدود $۱/۹۰$ متر و از داخل ۱

برای ساخت چهارطاقی ابتدا اقدام به صفه‌سازی شده و سپس چهارطاقی و راهروی پیرامونی آن روی صفه بنا شده است. محور چهارطاقی ۲۸ درجه نسبت به جهت‌های اصلی اختلاف داشته و هر یک از اضلاع بیرونی آن در



شکل ۱۳- پلان چهارطاقی رحمت‌آباد (نگارندگان)

این فضای معماری در حدود $1/3$ متر از سطح راهروی پیرامونی پایین‌تر بوده، بقایای دیوار بیرونی آن امروزه در حدود ۱۵ متر طول و یک متر ضخامت داشته و حداقل سه تالار یا اتاق را می‌توان در این فضای معماری مشاهده کرد. تالار میانی که ابعاد آن به دلیل وجود بقایای معماری قابل اندازه‌گیری و تشخیص است، توسط پلکانی به صورت مستقیم به راهروی پیرامونی و چهارطاقی متصل بوده و به ابعاد $3/90 \times 5/35$ متر است. همچنین فضای احتمالی پلکان این تالار در حدود $1/90$ متر پهنا دارد. هم‌اکنون تنها بخش‌هایی از دو تالار پیرامونی که هم‌عرض تالار میانی هستند قابل مشاهده است. تالار جنوبی که بر اساس دیواره‌های بیرونی و صفه‌ی چهارطاقی، حداقل $6/6$ متر از طول آن قابل تشخیص است، به نظر می‌رسد که فاقد دسترسی مستقیم به راهروی پیرامونی و چهارطاقی بوده و احتمالاً ورودی آن در ضلع جنوبی اتاق و رو به خارج بوده است، همچنین تالار شمالی نیز که در حال حاضر در حدود ۳ متر از طول آن قابل مشاهده است، احتمالاً به مانند تالار جنوبی فاقد دسترسی مستقیم به چهارطاقی بوده و مدخل ورودی آن در قسمت شمالی قرار داشته است. از دیگر بقایای معماری قابل ذکر در محوطه‌ی چهارطاقی رحمت‌آباد می‌توان به رشته دیوارهای منفصلی

متر ضخامت و دارای ارتفاع تقریبی $4/60$ متر هستند. طاق‌های بنا نیز در حدود $5/10$ متر پهنا ۴ متر ارتفاع دارند. داغی‌هایی در ارتفاع $2/25$ متری ضلع شمال غربی و $2/10$ متری ضلع جنوب شرقی به چشم می‌خورد که مربوط به طاق‌های راهروی پیرامونی چهارطاقی هستند (شکل ۱۲). بر اساس بقایای دیوار پیرامون چهارطاقی، راهروی پیرامونی در حدود $1/6$ متر پهنا داشته است.



شکل ۱۲- بقایای داغی‌های قوس راهروی میانی در ضلع جنوب شرقی چهارطاقی رحمت‌آباد (نگارندگان)

در اطراف چهارطاقی بقایای معماری سنگی قابل مشاهده است که نشان از وجود فضاهای دیگری دارد که با چهارطاقی در ارتباط مستقیم بوده‌اند. یکی از این فضاهای معماری قابل تشخیص فضای معماری شمال غرب چهارطاقی هست که به راهروی پیرامونی در این ضلع متصل بوده است (شکل ۱۳).

شمال شرقی یا جنوب غربی که احتمالاً فاقد فضاهای معماری متصل بوده و طاق‌های بزرگ‌تر در آن‌جا بنا شده، قرار داشته است. تالارهای متصل قسمت شمال غربی آتشکده در مجاورت صغه ساخته شده و بر اساس شواهدی که در مقابل طاق چهارطاقی در این ضلع قابل مشاهده است، احتمالاً این تالار میانی به وسیله‌ی درگاهی سنگی و با طاق نیم‌بیضی به راهروی پیرامونی متصل بوده است. با توجه به این که قسمت‌های تحتانی ابتدا و انتهای اضلاع و همچنین بقایای پایینی طاق ورودی تالار باقی‌مانده، شاید بتوان این فرضیه را مطرح کرد که ابتدا این قسمت‌ها با استحکام بیشتر بسته شده و سپس سایر مراحل احداث راهروی پیرامونی بر روی درگاه‌های اجرا شده که از استحکام این قسمت‌های خاص بهره‌مند نبوده است.

محوطه‌های پیرامونی: در فاصله‌ی حدوداً ۲۰۰ متری غرب چهارطاقی و بر دامنه‌ی کوه رحمت‌آباد بقایایی از معماری خشتی و سنگی به چشم می‌خورد که با توجه به ظاهر و ابعاد این بقایا، سازه‌ی مذکور را می‌توان یک قلعه تصور کرد. با توجه به نوع مصالح و فن ساخت در قسمت معماری سنگی بنا که با چهارطاقی قابل مقایسه است، می‌توان این احتمال را مطرح کرد که این قلعه با چهارطاقی هم‌زمان و شاید مرتبط بوده است، همچنین یک گورستان در ارتفاعات جانب شمالی چهارطاقی به چشم می‌خورد که دارای گورهای معروف به سنگ‌چین است که به علت فقدان شواهد باستان‌شناختی از داخل گورها، نمی‌توان برای آن‌ها تاریخ‌گذاری مشخصی را مطرح کرد.

مقایسه و تعیین کاربری

چهارطاقی‌های علی‌آباد شمشیربر و رحمت‌آباد از نظر ابعاد بیرونی در بین چهارطاقی‌های ناحیه‌ی کرمان در رده‌ی چهارطاقی‌های میانی قرار می‌گیرند (جدول ۱)، ضمن آن که در بین چهارطاقی‌های ساسانی که تاکنون در ایران شناسایی شده‌اند نیز به‌طور تقریبی از گونه‌ی چهارطاقی‌های میانی رو به کوچک هستند (جدول ۲).

اشاره کرد که از نظر فن ساخت مشابه با چهارطاقی هستند و در فواصل ۱۰ متری از اضلاع جنوب شرق و شمال شرقی چهارطاقی قرار گرفته‌اند.

مصالح و فن ساخت: مصالح و فن ساخت در چهارطاقی رحمت‌آباد کاملاً با مجموعه‌ی علی‌آباد مشابه است. مصالحی که برای ساخت چهارطاقی و فضاهای پیرامونی آن به کار رفته شامل سنگ‌های آهکی سفیدرنگ و ملاط گچ است. روش کار نیز به این گونه بوده که ابتدا با استفاده از قلوه‌سنگ و گچ اقدام به صغه‌سازی شده و سپس چهارطاقی و راهروی پیرامونی آن بر روی صغه احداث گردیده است. برای ساخت جرزهای سازه، لاشه‌سنگ‌ها را از سمت هموار رو به بیرون گذاشته و میان آن‌ها را با سنگ‌های کوچک‌تر و ملات گچ فراوان پر کرده‌اند، در بستن طاق‌های چهارطاقی رحمت‌آباد نیز به مانند چهارطاقی علی‌آباد از قوس چیار (زمرشیدی، ۱۳۸۷: ۱۷۰) استفاده شده است. فیلیپوش‌سازی در بنا با استفاده از سنگ انجام‌شده و بر اساس مشاهده بقایای قسمت تحتانی گنبد می‌توان این‌گونه پنداشت که گنبد بنا، سنگی بوده است. در اجرای گنبد ابتدا با یک عقب‌رفتگی، روی جرزها یک مربع کوچک‌تر تشکیل داده که ارتفاع تقریبی آن یک متر بوده و سپس اقدام به فیلیپوش‌سازی و اجرای گنبد کرده‌اند. برای ساخت راهروی پیرامونی نیز از روشی که در آتشکده‌هایی مانند کنارسیاه و نگار به کار رفته استفاده شده است، بدین ترتیب که در اضلاع شمال غربی و جنوب شرقی که احتمالاً فضاهای معماری پیوسته‌ای قرار داشته از طاق‌های گهواره‌ای کوتاه‌تر و متصل به قسمت‌های میانی جرزها استفاده شده و در اضلاع شمال شرقی و جنوب غربی از طاق‌های گهواره‌ای بلندتر که بر روی جرزها و متصل به عقب رفتگی گنبد خانه بسته شده بودند استفاده گردیده است، از همین رو و با توجه به این که در دوران اسلامی نیز مدخل ورودی بنا در ضلع شمال شرقی ایجاد شده، این احتمال را می‌توان بیان کرد که شاید ورودی اصلی آتشکده در یکی از اضلاع

جدول ۱- مشخصات چهارطاقی‌های ساسانی استان کرمان (نگارندگان)

نام	ابعاد محوطه	ضلع خارجی	ضلع داخلی	جرز خارجی	جرز داخلی	ارتفاع جرز	پهنای طاق	ارتفاع پهنای طاق	پهنای دیوار راهرو	ورودی راهرو	مصالح
۱ سلطان‌آباد	۸۰*۹۵	۹/۳	۵/۷	۲/۵	۱/۸	۵	۴/۳	۴/۶	۲/۱	۱	سنگ
۲ رحمت‌آباد	۷۲*۷۶*۹۷	۸/۹	۶/۹	۱/۹	۱	۴/۶	۵/۱	۴	۱/۶	-	سنگ
۳ علی‌آباد	۶۲*۶۶	۱۰/۳	۶/۸	۳	۲	۶	۴/۳	۵/۴	۲/۱	۱/۵۵	سنگ
۴ ده شیخ	۳۰*۸۰	۷	۴/۴	۱/۹	۱/۳	۳/۱	۳/۲	۲/۸	۲- ۰/۸	۱/۲- ۰/۸	سنگ
۵ نگار	-	۷/۸	۴/۸	۲/۳۵	۱/۶	۴/۱	۳/۱	۳/۹	۰/۹- ۰/۷	۰/۹۶	سنگ
۶ بردجین	-	۱۰/۶	۶/۶	۳	۲	-	۴/۶	-	۱/۵	۱/۲	سنگ

جدول ۲- ابعاد برخی از چهارطاقی‌های ساسانی (مرتضایی و زبان‌آور، ۱۳۹۶: ۱۸۸)

نام مجموعه	موقعیت مکانی	ضلع بیرونی سازه (متر)	ابعاد بیرونی جرزها (متر)	ابعاد حدودی محوطه (متر)
۱ آذرجو	فارس	۱۶/۸	۶/۹۵ - ۶/۵۵	۱۴۰*۸۰
۲ آتشکوه	مرکزی	۱۲/۵	۳	۷۰*۶۵
۳ تخت سلیمان	آذربایجان غربی	۱۶/۷	۶	۴۰۰*۳۲۰
۴ جره	فارس	۱۴/۳	۳/۸	_____
۵ قنات باغ	فارس	۱۳	۴	_____
۶ کنارسياه	فارس	۸/۶	۲	۷۰*۴۵
۷ نقاره‌خانه	فارس	۸/۴ - ۱۰/۹	۴/۵ - ۲	۱۱۵*۷۸

در ناحیه‌ی ارزشمندی که تا به امروز حداقل چهار چهارطاقی به دوره‌ی ساسانی منتسب شده، هر یک آن‌ها نسبت به چهارطاقی مجاور خود فاصله‌ی کمی دارند، به طوری که فاصله‌ی چهارطاقی ده شیخ تا سلطان‌آباد کمتر از دوازده کیلومتر، سلطان‌آباد از علی‌آباد در حدود ۱۶ کیلومتر و فاصله‌ی چهارطاقی علی‌آباد از رحمت‌آباد کمتر از شش کیلومتر به صورت خط مستقیم است، همچنین بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی، تمامی این چهار محوطه دارای چهارطاقی‌هایی با فضاهای معماری پیرامونی هستند. بر اساس مقایسه‌ی مواردی همچون شیوه‌ی مرسوم ساخت جرزها در چهارطاقی‌های ساسانی که شامل قرار دادن لاشه‌سنگ‌های بزرگ از سمت صاف و هموار آن‌ها رو به بیرون و پر کردن بین آن‌ها با قلوه‌سنگ‌های کوچک‌تر و ملات گچ نیم‌کوب است (مرادی، ۱۳۸۸: ۱۵۸)، نوع قوس

به کار رفته در طاق‌ها، فن ساخت گنبد و چپیره سازی و در نهایت ابعاد چهارطاقی‌ها که چهارطاقی‌های شمال دشت ارزشمندی از نظر ابعاد، دارای اندازه‌هایی نزدیک و شبیه به یکدیگر بوده و در حدود دو متر بزرگ‌تر از چهارطاقی ده شیخ هستند، می‌توان این چنین تصور کرد که چهارطاقی‌های علی‌آباد شمشیربر، رحمت‌آباد و سلطان‌آباد در یک بازه‌ی زمانی هم‌زمان ساخته و استفاده شده است، ضمن آن که بر اساس وجود تشابهات فراوان در هر سه چهارطاقی می‌توان این گونه قلمداد کرد که احتمالاً کاربری هر سه بنا تا حدود زیادی مشابه و یکسان بوده است. با توجه به دخل و تصرفاتی که در چهارطاقی رحمت‌آباد صورت گرفته، تنها نکته‌ی بارز قابل ذکر از جزئیات بنا، این موضوع است که مجموعه علاوه بر چهارطاقی، دارای الحاقاتی همچون راهرو و فضاهای معماری پیرامونی بوده

موضوع قابل بحث و پیگیری است، موضوع نخست ماهیت سازه‌ی معماری چهارطاقی بوده که آیا بر اساس تعاریف مرسوم از بناهای مذهبی دوره‌ی ساسانی می‌توان آن‌ها را سازه‌ی آیینی دانست؟ و چنانچه مورد اول اثبات شود موضوع دوم ارزش مذهبی چهارطاقی‌های علی‌آباد شمشیربر و رحمت‌آباد است که چه نوع آتش احتمالی در آن‌ها نگهداری می‌شده است. آندره‌گذار یکی از نخستین افرادی بود که در زمینه‌ی آتشکده‌ها و چهارطاقی‌های دوره‌ی ساسانی در اواخر دهه‌ی سی میلادی اطلاعاتی را منتشر ساخت، اندکی پس از گذار، اردمان نیز در حدود سال ۱۹۴۱ میلادی، اقدام به انتشار مطالبی در این رابطه کرد. هر دو نفر بر این اعتقاد بودند که چهارطاقی‌ها بیش از آن که سازه‌ی اصلی باشند، به‌عنوان فضایی سرپوشیده بر روی آتشدان‌هایی که در گذشته در فضای باز بودند، قرار گرفته‌اند (گذار، ۱۳۸۷: ۱۸ و Erdmann 1941: 64-65)، همچنین این دو به جدایی محل نگهداری آتش از محل عبادت آن معتقد بودند. گذار چهارطاقی‌های راهرو دار را به‌عنوان نیایشگاه آتش شناخته است و اعتقاد داشت که چهارطاقی‌های فاقد راهرو نقش میل راهنما را داشته‌اند (گذار، ۱۳۸۷: ۷۷). نظریه‌ی جدایی محل نگهداری آتش از محل عبادت آن، در سال‌های بعد از سوی افرادی مانند مری بویس نقد و با آن مخالفت شد (Boyce 1975: 464-465). در دهه‌های شصت و هفتاد سده‌ی بیستم میلادی، واندنبرگ با بررسی‌های میدانی تعداد قابل‌توجهی از چهارطاقی‌های ساسانی را مطالعه کرد (Vanden Berghe 1984; 1977; 1965; 1961) که عموم پژوهشگران دیگر مانند شیپمان و هوف با استفاده از پژوهش‌های واندنبرگ نظریات خود را بیان کرده‌اند. دیتیش هوف نیز این نظریه را مطرح ساخت که آتشکده‌ها و چهارطاقی‌های ساسانی دارای راهروی پیرامونی و یا اتاق‌های محصور بوده و آتشکده‌های منفرد امروزی ساسانی نیز در گذشته راهروی پیرامونی داشته‌اند و سایر سازه‌های فاقد راهرو مربوط به سایبان‌ها و قبور دوران اسلامی است (هوف، ۱۳۶۶: ۴۰۱-۴۰۰؛ Huff 1972: 530; 1975: 247). این نظریه توسط افرادی مانند شیپمان (شیپمان، ۱۳۸۶: ۱۱۱-۱۱۰)، واندنبرگ (Vanden Berghe 1984: 204) آذرنوش (Boucharlat, Azarnoush 1989: 651-662) و بوشارلا (Boucharlat, 1999: 68-70) پشتیبانی شده است، همچنین در رابطه با مکان نگهداری آتش در آتشکده‌ها، با وجود اعتقاد برخی از

است، اما نویافته‌های باستان‌شناختی در چهارطاقی علی‌آباد شمشیربر چند نکته را روشن می‌سازد؛ نکته‌ی نخست راهروی پیرامونی و فضاهای معماری در دو سمت شمالی و جنوبی بنا است که بقایای درگاه‌های اتاق‌های احتمالی کاملاً با درگاه‌های فضاهای معماری پیرامونی مجموعه‌ی رحمت‌آباد قابل مقایسه است. مورد دوم وجود سکو در داخل چهارطاقی و متمایل به ضلع شرقی بناست. از میان محوطه‌های هم‌جوار می‌توان سکویی مشابه را در محوطه‌ی سلطان‌آباد مشاهده کرد (زبان‌آور، مرتضایی و شعبانی، ۱۳۹۹: ۸۰-۸۱) که احتمال تشابه کاربری میان این دو محوطه را بیش از پیش بالا می‌برد (شکل ۱۴)، ضمن آن که در محوطه‌ی چهارطاقی میل نقاره‌خانه در حاجی‌آباد فارس (Azarnoush, 1994: 26) و تنگ چک‌چک داراب (زبان‌آور، مرتضایی و شعبانی ۱۳۹۹: ۷۸) نیز چنین عنصر معماری به شکل مستطیل به‌دست‌آمده و همه‌ی این محوطه‌ها نیز به‌مانند چهارطاقی‌های مطالعه شده در این پژوهش علاوه بر چهارطاق دارای راهرو و فضاهای معماری الحاقی هستند. بر اساس مطالعات صورت گرفته، به نظر می‌رسد که سکوه‌های مستطیلی شکل یافت شده در برخی از چهارطاقی‌های ساسانی نواحی جنوبی ایران احتمالاً با مراسم «یزشن» در ارتباط بوده و نقش میز «اورویس» را داشته است (همان: ۹۳)



شکل ۱۴- نمای سکوی مستطیل شکل داخل چهارطاقی سلطان‌آباد (نگارندگان)

در ارتباط با چهارطاقی‌های مطالعه شده در این پژوهش دو

نظامی یا سرباز، ۱۶) آتش اهل محل یا همسایه (Modi, 211: 1922). آتش آدران به‌عنوان دومین نوع آتش مقدس در دوره‌ی ساسانی که آتشی محلی و روستایی بوده از چهار آتش خانگی تهیه می‌شود (Ibid: 239). طبق کتاب‌های متأخر زرتشتیان این آتش در شهرها، محله‌ها و روستاهایی که بیش از ده خانوار زرتشتی سکنه دارند روشن می‌شود (دوشن‌گیمین، ۱۳۸۵: ۱۲۲). روند جمع‌آوری تا بر تخت نشاندن این آتش ساده‌تر از آتش بهرام بوده و در حدود پنج هفته به‌طول می‌انجامد (دابو، ۱۳۵۸: ۱۳). چهار نوع آتش اصلی که برای آتش آدران نیاز است شامل آتش خانه‌های الف) آتورنان‌ها یعنی طبقه‌ی روحانیون، ب) ارتیشتاران یعنی طبقه‌ی سپاهیان، ج) واستریوشان یعنی طبقه‌ی کشاورزان و د) هوتوخشان یعنی طبقه‌ی صنعتگران و تجار است (Modi, 239: 1922). سومین نوع آتش مقدس که در بین آتش‌های سه‌گانه دارای پایین‌ترین رتبه بوده آتش دادگاه است. این آتش که تنها شامل یک آتش خانگی است توسط روحانی زرتشتی تقدیس می‌شود و توسط هر فرد زرتشتی قابل نگهداری و خدمت است (Boyce, 1968: 54). آتش دادگاه در سه مکان قابل نگهداری بوده که شامل آتشکده‌ها، مجاورت دخمه‌ها و خانه‌های اعیانی است (اون‌والا، ۱۹۲۲: ۷۱ و تفضلی، ۱۳۹۸: ۲۶۱ و Boyce, 1968: 54). آیین تقدیس این آتش بسیار ساده و از نوع آتش خانگی است که تقدیس می‌شود، بنابراین فرایند خاصی جهت تقدیس آن وجود نداشته و به همین ترتیب شیوه‌ی جمع‌آوری و تطهیر خاصی نیز ندارد و تنها وظیفه‌ی اصلی مربوط به تقدیس نیایشگاهی است که قرار است آتش به آن سپرده شود. آتشی که برای تقدیس آتشکده در حین مراسم خوانش یسنا و وندیداد مورد استفاده قرار می‌گیرد از نوع آتش مقدس دادگاه است (Modi, 240-241: 1922). همچنین در این نوع از آتشکده‌ها در دوران ساسانی مراسم سوگند و دادگری در اختلافات و مباحثات نیز برگزار می‌شده است (دابو، ۱۳۵۸: ۱۳). این آتش که از آن گاهی با عنوان «دوده» نیز یاد شده (شهمردان، ۱۳۴۶: ۲۰۹)، در ایران باستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و خانواده‌ها اجازه‌ی خاموش شدن آن را نمی‌دادند و امروزه نیز در بسیاری از خانواده‌های زرتشتی یزد، کرمان و پارسیان هند سنت حفظ این آتش به‌منظور اجرای اعمال دینی به چشم می‌خورد (آذرگشسب، ۱۳۵۳: ۱۵ و تفضلی، ۱۳۹۸: ۲۶۱)

پژوهشگران به وجود مکانی در آتشکده جهت نگهداری دائمی آتش (Gropp 1969: 166-167)، برخی دیگر مانند بویس بر این اعتقاد هستند که آتش مقدس قابل انتقال بوده و احتیاجی به نگهداری آتش به صورت دائمی در محل آتشکده نیست (Boyce 1975: 454). با توجه به پلان چهارطاقی‌های مطالعه شده در این نوشتار می‌توان به این نتیجه دست یافت که چهارطاقی‌های علی‌آباد شمشیربر و رحمت‌آباد بر اساس راهروی پیرامونی، فضاهای معماری الحاقی و چهارچوب ارائه شده در رابطه با چهارطاقی‌های دارای راهروی پیرامونی، کاربری مذهبی داشته‌اند، اما نکته‌ی قابل تأمل ارزش مذهبی این بناها و کیفیت مذهبی آن‌هاست که دارای چه رتبه‌ای بوده‌اند. برای تعیین رتبه‌ی این نوع از نیایشگاه‌ها باید آن‌ها را بر اساس نوع آتش و همچنین موقعیت مکانی-اجتماعی آن‌ها تقسیم‌بندی کرد.

در دوره‌ی ساسانی سه درجه از آتش‌های مقدس وجود داشته که به ترتیب مقام شامل آتش‌های بهرام، آدران و دادگاه هستند (Boyce, 1968: 52). آتش بهرام که مهم‌ترین آتش در دوره‌ی ساسانی به‌شمار می‌رفته همواره و به صورت پیوسته روشن بوده و از شانزده آتش گوناگون تهیه می‌شده است. به نظر می‌رسد که این آتش‌های شانزده‌گانه از فرگرد هشتم و نندیداد (فرگرد هشتم ۷۳-۹۶) برگرفته شده باشد (Modi, 211: 1922). مراحل جمع‌آوری، تطهیر، تقدیس و بر تخت‌نشینی این آتش بسیار طولانی بوده و در حدود یک سال به‌طول می‌انجامد (دابو، ۱۳۵۸: ۱۲). این آتش پس از قرارگیری در مکان خود در زیر گنبد، تنها در دسترس موبدان دارای شرایط خاص بوده و افراد دیگر حق دسترسی به آن را ندارند (تفضلی، ۱۳۹۸: ۲۶۱)، همچنین شاپور یکم در کتیبه‌ی کعبه‌ی زرتشت به روشن کردن آتش بهرام در نواحی مختلف قلمروی خود اشاره دارد (Sprenghing, 1953: 17). بر اساس متن موجود در وندیداد فهرست آتش‌ها و مراحلی که آتش بهرام مورد تقدیس و به تخت‌نشینی قرار می‌گیرد بدین ترتیب است: آتش‌های به‌کار رفته در ۱) سوزاندن اجساد، ۲) سوزاندن نجاست، ۳) سوزاندن فضولات، ۴) آتش سفالگر، ۵) آتش شیشه‌گری، ۶) آتش مسگری، ۷) آتش زرگری، ۸) آتش نقره‌گری، ۹) آتش آهنگری، ۱۰) آتش پولادگری، ۱۱) آتش نانو، ۱۲) آتش کارگر کوره، ۱۳) آتش قلع کار، ۱۴) آتش چوپان، ۱۵) آتش یک

آبادی‌های بزرگ ناحیه‌ی کرمان در نظر گرفت، بنابراین با منطبق‌سازی منابع مکتوب و شواهد باستان‌شناختی که بر طبق آن‌ها محوطه‌های مرتبط با دوره‌ی ساسانی در دشت ارزوئیه (علیدادی سلیمانی، ۱۳۸۷-۱۳۸۹) شامل تپه‌ها و محوطه‌هایی فاقد پیوستگی و وسعت قابل توجه هستند، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که محدوده‌ی مطالعه شده در این پژوهش نمی‌تواند بیانگر جوامع شهرنشین یا یکجانشینی‌هایی با پیچیدگی‌های روستاهای بزرگ عهد ساسانی مانند آن‌چه در فارس و خوزستان وجود دارد، باشد. با توجه به این موضوع که تنها در منابع متأخر زرتشتی به شرط ایجاد آتش آدران یعنی وجود ده خانوار زرتشتی در ده یا روستا اشاره شده (دوشن‌گیمن، ۱۳۸۵: ۱۲۲) و در این دوران زرتشتیان در اقلیت به سر می‌بردند، می‌توان بر این نکته تأکید کرد که در عهد ساسانی و سده‌های نخستین اسلامی، این تعداد خانوار باید بسیار بیشتر از ده خانوار بوده که در دوران متأخر و با توجه به کاهش جمعیت زرتشتی در بین جوامع مسلمان تعداد خانوار لازم برای ایجاد آتش آدران را به ده خانوار کاهش داده‌اند، همچنین بر اساس موقعیت مکانی چهارطاقی‌های رحمت‌آباد و علی‌آباد و سایر محوطه‌های پیرامونی آن‌ها، به نظر می‌رسد که بتوان این مجموعه محوطه‌ها را بازسازی از «ده» در دوره‌ی ساسانی (دریایی، ۱۳۸۳: ۴۸ و Lukonin 1983: 727 & Miri 2012: 29) دانست، اما با توجه به حاشیه‌ای بودن منطقه بر اساس تعداد محوطه‌های ساسانی دشت ارزوئیه و منابع مکتوب که به این ناحیه هیچ اشاره‌ای ندارند و کاربری احتمالاً مشابه چهارطاقی‌های موجود در این منطقه به نظر نمی‌رسد که جمعیت ده‌های این محدوده در دوره‌ی ساسانی به تعدادی باشد که نیاز به چندین آتشکده‌ی مرتبط با آتش آدران داشته باشند. نکته‌ی دیگری که می‌تواند به شناخت آتش نگهداری شده این آتشکده‌ها کمک کند، وجود سکو در چهارطاقی علی‌آباد است. بازسازی سکوی مذکور و سنجش آن در کنار سایر عناصر مشابه در چهارطاقی‌های جنوب و غرب ایران، همسان‌سازی این عنصر معماری با «اورویس» موجود در نیایشگاه‌های زرتشتی را اثبات کرد (زبان‌آور، مرتضایی و شعبانی، ۱۳۹۹: ۹۳) و با توجه به نوع آتش موجود در «اورویس‌گاه» که تنها می‌تواند آتش دادگاه باشد (Boyce, 1968: 55)، در این صورت انتصاب این آتشکده‌ها به آتش دادگاه، نمی‌تواند دور از انتظار باشد؛ بنابراین بر

با توجه به شرایط سه آتش مقدس، برای درک کاربرد احتمالی چهارطاقی‌های علی‌آباد و رحمت‌آباد، مواردی همچون فاصله‌ی بین سازه‌های مشابه، ابعاد و پیچیدگی مجموعه‌ها، وسعت منطقه‌ی مطالعه شده و تراکم جمعیت ناحیه و عناصر معماری موجود در چهارطاقی را باید در نظر گرفت. وجود چهار بنای مذهبی (که احتمالاً سه مورد از آن‌ها هم دوره هستند) در ناحیه‌ای کوچک و در فواصل نزدیک به یکدیگر می‌تواند به نحوی بیانگر اعتقادات راسخ مردم ناحیه‌ی ارزوئیه نسبت به دین زرتشتی در دوره‌ی ساسانی باشد، اما پرسشی را در رابطه با تراکم جمعیت این منطقه در بازه‌ی زمانی مورد نظر را نیز مطرح می‌کند. با توجه به این موضوع که جایگاه آتش بهرام را احتمالاً فضاهای مذهبی با پیچیدگی‌های معماری و وسعت قابل توجه مانند آذرگشنسپ و آذرگو (مرتضایی و زبان‌آور، ۱۳۹۶: ۱۸۵-۱۸۳) می‌تواند پوشش دهند، بنابراین نوع کاربری چهارطاقی‌های ارزوئیه را باید بین نوع دوم و سوم جست‌وجو کرد. تاکنون گزارشی از وضعیت این ناحیه در دوران اواخر ساسانی یا اوایل اسلامی به دست نیامده و حتی طی تصرف نواحی کرمان نیز به ناحیه‌ی ارزوئیه اشاره‌ای نشده است، اما از اشارات جغرافی‌نویسان سده‌های نخستین اسلامی به وضعیت کرمان می‌توان به چند مورد پی برد. نخستین مورد اشارات این افراد، شامل شهرها و آبادی‌های ناحیه‌ی کرمان و فارس بوده که در آن به برخی شهرها و آبادی‌های میان نواحی شرقی فارس و غربی کرمان اشاره شده است. در میان نواحی یادشده به آبادی حسناباد/خسناباد اشاره گردیده که این مکان در میانه‌ی مسیر سیرجان به دارابگرد قرار داشته (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۳۱ و اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۶۸) و طبق رساله‌ی دهات کرمان در غرب ارزوئیه واقع شده است (باستانی‌پاریزی، ۱۳۸۵: ۲۵۳)، بنابراین می‌توان این‌گونه بیان کرد که طبق منابع مکتوب سده‌های نخستین اسلامی ناحیه‌ای که امروزه ارزوئیه نامیده می‌شود، منطقه‌ای حاشیه‌ای بوده که راه‌های اصلی از آن عبور نمی‌کرده و احتمالاً از نواحی بزرگ و پررونق کرمان و یا کوره‌ی سیرجان نبوده است، همچنین افرادی مانند اصطخری (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۶۴) و ابن حوقل (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۷۵) به این نکته اشاره دارند که شهرها و آبادی‌های ناحیه‌ی کرمان برخلاف پارس با یکدیگر پیوستگی نداشته و میان آن‌ها دشت‌ها و بیابان وجود دارد. چنان‌چه این نکته را بتوان برای شهرها و

در این پژوهش چهارطاقی‌های علی‌آباد شمشیربر و رحمت‌آباد که تا کنون تنها از سوی لویی واندنبرگ مطالعه‌ی میدانی شده از منظر ویژگی‌های معماری مورد بازنگری قرار گرفت و پلانی بر اساس یافته‌های آواربرداری و پاکسازی محوطه‌ها ارائه گردید. یافته‌های جدید که شامل شواهدی از فضاهای معماری الحاقی است، ضمن اثبات وجود فضاهای معماری جانبی در پیرامون چهارطاقی‌های مطالعه شده، شباهت‌های ساختار معماری در چهارطاقی‌های رحمت‌آباد و علی‌آباد را نیز به اثبات می‌رساند که این موضوع می‌تواند به مشابه و یکسان بودن کاربری احتمالی این بناها دلالت داشته باشد، همچنین با توجه به دسته‌بندی آتش‌های مقدس و پیچیدگی‌های مراحل تهیه‌ی آتش‌های بهرام و آدران و مواردی مانند عدم اشاره‌ی منابع مکتوب به ناحیه‌ی ارزوئیه که نشانگر حاشیه‌ای بودن این منطقه دارد، عدم وجود تعداد قابل توجه از محوطه‌هایی که نشانگر تراکم جمعیتی قابل توجه در دشت ارزوئیه طی دوره‌ی ساسانی باشند، ابعاد چهارطاقی‌ها که در دسته‌ی چهارطاقی‌های متوسط رو به کوچک هستند، شباهت‌های ساختار معماری مانند فن ساخت درگاه‌های فضاهای معماری متصل به راهرو و راهروی پیرامونی و کم بودن فاصله‌ی این بناها نسبت به یکدیگر، به نظر می‌رسد که چهارطاقی‌های علی‌آباد شمشیربر و رحمت‌آباد بناهای مذهبی بوده‌اند که در آن‌ها آتش «دادگاه» نگهداری و نیایش می‌شده است. چنانچه وجود آتش دادگاه در چهارطاقی‌های مطالعه شده در این نوشتار را بپذیریم، در این صورت نکته‌ی قابل تامل، این موضوع است که نیایشگاه‌های متعلق به آتش دادگاه در دوره‌ی ساسانی، می‌توانند دارای پیچیدگی‌های ساختار معماری همچون راهروی پیرامونی و فضاهای معماری الحاقی باشند.

اساس ابعاد چهارطاقی‌های مطالعه شده که در گروه چهارطاقی‌های متوسط رو به کوچک قرار می‌گیرند، شباهت‌های ساختار معماری چهارطاقی‌های علی‌آباد شمشیربر و رحمت‌آباد با مجموعه‌ی دیگر دشت ارزوئیه، فاصله‌ی کم میان چهارطاقی‌ها، محوطه‌هایی که پیرامون چهارطاقی‌ها قرار دارند و مقایسه‌ی موقعیت چهارطاقی‌ها با شرایط آتش‌های مورد نیاز برای آتش نیایشگاه آدران می‌توان این‌گونه انتظار داشت که احتمالاً چهارطاقی‌های علی‌آباد شمشیربر و رحمت‌آباد با آتش دادگاه در ارتباط بوده‌اند. بر اساس نیایشگاه‌های امروزی پارسیان هند و زرتشتیان، سه گروه نیایشگاه یا آتشکده را می‌توان مشخص کرد که گروه نخست با عنوان آگیری که مرسوم‌ترین نوع نیایشگاه‌ها است شامل فضاهای گنبد داری تحت نام آدوریان می‌شود که در سه یا چهار طرف آن، راهروی پیرامونی قرار گرفته و اتاقی دیگر به نام یزشنگاه گاهی به صورت مستقیم و یا به وسیله راهرو به فضای چهارطاقی متصل شده است. گروه دوم با نام آدوریان شامل فضاهایی گنبددار با یک راهروی پیرامونی بوده که در یک فضای معماری بزرگ‌تر قرار گرفته و در آن یزشنگاه به چشم نمی‌خورد و در نهایت سومین گروه از نیایشگاه‌ها فضاهایی هستند که فاقد چهارطاق بوده و از یک یا چند یزشنگاه (اورویسگاه) تشکیل شده‌اند و با عنوان «درمهر» شناخته می‌شوند (Gropp, 1969: 148-). به نظر می‌رسد که براساس شرایط چهارطاقی‌های علی‌آباد و رحمت‌آباد احتمالاً بتوان این سازه‌ها را در دوره‌ی ساسانی معادلی برای درمهر امروزی دانست که امروزه فاقد چهارطاقی بوده و به مراتب ساده تر از دوره‌ی ساسانی است.

نتیجه‌گیری

کتاب‌نامه

۱. آذرگشسب، اردشیر، آتش در ایران باستان، چاپ دوم، تهران: اختر شمال.
۲. اکبرزاده، داریوش، ۱۳۸۵، سنگ‌نبشته‌های کرتیر موبدان موبد، چاپ اول، تهران: پازینه.
۳. ابن حوقل، محمد، ۱۳۴۵، صوره الارض، ترجمه جعفر شعار، جلد ۱، چاپ اول، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۴. اصطخری، ابو اسحاق. ۱۳۷۳، مسالک و ممالک، ترجمه محمدبن اسعدبن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار. چاپ اول، تهران: بنیاد موقوفات افشار.
۵. اون‌والا، ارواد مانوکجی روستمچی، ۱۹۲۲، روایات داراب هرمزدیار، جلد اول، بمبئی.

۶. باستانی پاریزی، محمدابراهیم، ۱۳۸۵، جغرافیای کرمان، چاپ پنجم، تهران: نشر علم.
۷. بویس، مری، ۱۳۸۹، دیانت زرتشتی در دوران متأخر، ترجمه فریدون وهمن، چاپ دوم، تهران: نشر ثالث.
۸. تفضلی، احمد، ۱۳۹۸، آتشکده، مقالات احمد تفضلی به کوشش ژاله آموزگار، چاپ اول، تهران: توس.
۹. جیهانی، ابوالقاسم بن احمد، ۱۳۶۸، اشکال العالم، ترجمه علی بن عبدالاسلام کاتب، چاپ اول، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۰. خسروی، شکوه، رشنو، اصغر، ۱۳۹۳، کاوش اضطراری محوطه‌ی پلنگ‌گرد شهرستان اسلام‌آباد کرمانشاه، در مقاله‌های کوتاه دوازدهمین گردهمایی سالانه‌ی باستان‌شناسی ایران، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی: ۱۷۷-۱۷۹.
۱۱. دابو، خورشید، ۱۳۵۸، دانستنی‌های آدینی زرتشتی، ترجمه رشید شهردان، چاپ اول، انتشارات فروهر.
۱۲. دریایی، تورج، ۱۳۸۳، سقوط ساسانیان فاتحان خارجی مقاومت داخلی و تصویر پایان جهان، ترجمه منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی حسینکلو، چاپ دوم، تهران: نشر تاریخ ایران.
۱۳. دوشن گیمن، ژاک، ۱۳۸۵، دین ایران باستان، ترجمه رویا منجم، چاپ دوم، تهران: نشر علم.
۱۴. رضوانی، حسن، ۱۳۸۴، پرونده ثبتی آتشکده‌ی شیان، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه (منتشر نشده).
۱۵. زبان‌آور، علیرضا، مرتضایی، محمد، شعبانی صمغانی، رضا، ۱۳۹۹، تأملی در کاربری برخی عناصر داخلی نیایشگاه‌های دوره‌ی ساسانی: منطبق سازی یافته‌های نواحی شرقی فارس و غرب کرمان با شواهد باستان‌شناختی مناطق غرب ایران، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۱۰ (۲۶): ۷۵-۹۶.
۱۶. شهردان، رشید، ۱۳۴۶، پرستشگاه‌های زرتشتیان، چاپ اول، بمبئی.
۱۷. علیدادی سلیمانی، نادر، ۱۳۸۷-۱۳۸۹، بررسی شهرستان ارزوئیه، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری، (منتشر نشده).
۱۸. گدار، آندره، ۱۳۸۷، آثار ایران، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، جلد یکم، چاپ پنجم، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۹. محمدی‌فر، یعقوب و عباس مترجم، ۱۳۹۰، جولیان: آتشکده نویافته ساسانی در آبدانان ایلام، باغ نظر، سال هشتم، شماره ۱۹: ۷۷-۸۸.
۲۰. مرادی، یوسف، ۱۳۸۸، چهار تاقی میل میله گه؛ آتشکده‌ای از دوره ساسانی، مطالعات باستان‌شناسی، سال اول، شماره ۱: ۱۵۵-۱۸۵.
۲۱. مرتضایی، محمد، زبان‌آور، علیرضا، ۱۳۹۶، بازنگری مکان نیایشگاه آذر فرنیغ در دوره‌ی ساسانی بر اساس تطبیق منابع مکتوب سده سوم تا هفتم هجری و شواهد باستان‌شناختی، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۱۲: ۱۷۵-۱۹۴.
۲۲. نامجو، عباس، ۱۳۹۰، مکان یابی باستان‌شناسی آتشکده‌های ساسانی بنا بر متون تاریخی و جغرافیایی سده سوم تا نهم هجری، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، به راهنمایی دکتر جواد نیستانی، (منتشر نشده).
۲۳. هاشمی‌زرچ‌آباد، حسن، و همکاران، ۱۳۸۹، چهارطاقی خانه دیو آتشکده‌ای نویافته از دوره ساسانی، باغ نظر، سال هفتم، شماره ۱۵: ۷۹-۹۲.

24. Azarnoush, M., 1994, The Sasanian Manor House at Hajiabad Iran, Le lettere.

25. Boyce, M., 1968, On the sacred fires of the Zoroastrians, *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 31(1): 52-68.

26. Boyce, M., 1979, *Zoroastrians Their Religious Beliefs and Practices*, London: Routledge & Kegan Paul.

27. Boyce, M., 1975, On the Zoroastrian temple cult of fire, *Journal of the American Oriental Society* 95: 454-465.

28. Erdmann, K., 1941, *Das Iranische Feuer heiligtum*. Berlin, JC Hinrichs Verlag.

29. Fazel, L. and Mohammadifar, Y., 2019, Mirabad-e Emam Qoli: a newly discovered Sassanid-era fire temple in south-eastern Iran. *Antiquity* 93(367).

30. Gropp, G., 1969, Die Funktion des Feuertempels der Zoroastrier, *AMI* 2: 147-175.

31. Hashemi, H., and B. Kaim, 2010, Khone-ye Div, Preliminary report on the first season of Irano-Polish excavations, *Polish Archaeology in the Mediterranean* XIX: 603-612.

32. Kaim, B., 2002, Un Temple du feu Sassanide decouvert a Mele Hairam Turkmenistan Meridional, *Studia Iranica* 32: 215-230.
33. Kaim, B., 2004, Ancient Fire temples in the light of the discovery at Mele Hairam, *Iranica Antiqua* 39: 223-237.
34. Kaim, B., Bakhtiari, M. and Hashemi, H., 2010, Khone-ye Div. Preliminary report on the second and third seasons of Irano-Polish excavations (2009 and 2010) Author (s), *Polish Archaeology in the Mediterranean* 22 (Research 2010): 543-551.
35. Khosravi, S., Alibaigi, S., & Rahbar, M., 2018. The Functions of Gypsum Bases in Sasanid Fire Temples: A Different Proposal, *Iranica Antiqua* 53: 267-298.
36. Lukonin, V. G., 1983, Political, Social and Administrative Institution: Taxes and Trade. In: E. Yarshater, (ed.), *CHI III. Part 2*, Cambridge: 681-746.
37. Modi, J.J., 1922, *The Religious ceremonies and customs of the Parsees*, Bombay: British India Press.
38. Miri, N., 2012. *Historical Geography of Fars during the Sasanian Period*, e-Sasanika.
39. Rahbar, M., 1998, Découverte d'un monument d'époque sassanide à Bandian Dargaz, *Studia Iranica* 27: 213-250.
40. Rahbar, M., 2004, Le monument sassanide de Bandiān Dargaz, *Studia Iranica* 33: 7-30.
41. Schippmann, K., 1971, *Die iranischen Feuerheiligtümer*, Berlin, Walter de Gruyter.
42. Vanden Berghe, L., 1961, Récentes découvertes de monuments sassanides dans le Fars, *Iranica Antiqua* 1: 163-200.
43. Vanden Berghe, L., 1965, Nouvelles découvertes de monuments du feu d'époque sassanide, *Iranica Antiqua* 5: 128-147.
44. Vanden Berghe, L., 1977, Les Chahar Taqs du Pusht-i Kuh Luristan, *Iranica Antiqua* 12: 175-196.
45. Vanden Berghe, L., 1984, Le Chahar Taq de Qanat-i Bagh (Fars) et l'inventaire des Chahar Taqs en Iran, *Iranica Antiqua* 19: 201-227.